

تقدیم به معلمان عزیزی که؛

در مطالعات مختلف، با **سخاوت** وقتشان را به امید
بهبود آموزش ریاضی خود و دانش آموزان، در
اختیارمان گذاشتند. باشد که با فهم عمیق و تفسیر
منصفانه **نخواهایشان**، مسیر روشن تری را برای
تغییرات آموزشی، به تصویر بکشیم.

چالش‌های پیش روی دانشگاه فرهنگیان

زهرا گویا- دانشگاه شهید بهشتی

تقدیم به فرهنگیان عزیز ایران زمین!

بوشهر، ۲۶ آذر ۱۳۹۳

فرهنگی کیست!!

از زمان تأسیس آموزش عمومی در ایران، **فرهنگی**، نامی بود که عمدتاً، به معلمان اطلاق می‌شد و گاهی با اندکی تساهل و تسامح، همه دست‌اندرکاران عرصهٔ تعلیم و تربیت و از جمله، تمام کسانی که در نهادهای آموزشی کار می‌کردند، به **فرهنگی بودن** شناخته می‌شدند و به آن افتخار می‌کردند.

فرهنگی بودن با کادر آموزشی یا کادر اجرایی بودن یک
مؤسسه آموزشی فرق دارد. فرهنگی با خودش، بار معنایی
عمیقی را یدک می کشد که مسئولیت آور است.

حالا بعد از بارها تغییر واژه و تغییر انتظارات از فرهنگی‌ها،
اتفاق بزرگی افتاده است که اگر خوب از آن استفاده شود،
فرصت بی‌بدیلی برای ارتقای **معلم‌ان** یا همان **فرهنگیان**
خواهد بود. اگر هم به حساسیت‌ها و ظرافت‌های فرهنگیان
توجه نشود، می‌تواند تهدیدی برای سرمایه‌های بالقوه
انسانی باشد.

این دانشگاه به طور طبیعی، با سرنوشت همه ما **فرهنگیان**
گره می‌خورد و لازم است که نسبت به آن، دغدغه داشته
باشیم و با طرح ایده‌های قابل اجرا، به اعتلای دانشگاه
کمک کنیم و از درافتادن آن به دام افراط و تفرط‌های
احتمالی که از بعضی ماده‌های اساسنامه ممکن است
استنباط شود، جلوگیری کنیم.

اما قبل از آن، باید این اساسنامه را بشناسیم تا بتوانیم از
تجارب عمیقی که حاصل خرد جمعی جهانیان است، در
جهت اعتلای این دانشگاه، بهره بگیریم.

اساسنامه دانشگاه فرهنگیان

اساسنامه دانشگاه فرهنگیان که مشتمل بر ۳۱ ماده است، در ششم دی ماه ۱۳۹۰، به تصویب «شورای عالی انقلاب فرهنگی» رسید. در ماده ۱- کلیات، آمده است که «دانشگاه فرهنگیان، دانشگاهی است: برای تأمین، تربیت و توانمندسازی منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش . . .» و در ادامه این ماده، صفات برجسته این «منابع انسانی» را با جزئیات، بیان کرده است.

به این ترتیب، دانشگاه فرهنگیان پا به عرصه وجود گذاشته است و با این که تنها سه سال از تولدش می‌گذرد، با سرعت اعجاب‌آوری، **رشد کمی** داشته است. برای ، این مثال، دانشگاه در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲، حدود ۶۴۰۰۰ نفر دانشجو از طریق سازمان سنجش آموزش کشور گرفت و در تکمیل ظرفیت نیز، چند هزار نفر دیگر گرفت که این تعداد وسیع دانشجو، در بیش از ۹۰ پردیس شبانه‌روزی پسرانه و دخترانه در تمام استان‌های ایران، مشغول به تحصیل

پس ازم است که از این فرصتِ پیش آمده، برای بازسازی و
ارتقای معلمان - **بخوانید فرهنگیان** - در تمام سطوح، به
بهترین شکل استفاده شود و در اجرا، هرکجا به مشکلی
برخورد شد، تغییر مناسب ایجاد شود.

زیرا در سراسر اساسنامه، **آگاهانه و عامدانه**، از کلماتی که **باز و قابل تفسیرند**، استفاده شده است. بدین جهت، گروه-های قویِ کارشناسی می‌توانند بدون درگیر شدن با مسائل غیرضروری، و به استناد یافته‌های پژوهشی موثق در رابطه با آموزش‌های قبل و ضمن خدمت معلمان، بخش‌های مختلف این اساسنامه را مطابق با دانش و نیازهای روز، تعبیر و تفسیر کنند.

یعنی، اگر صرف این که اساسنامه به تصویب رسیده و نعل به نعل، پس اجرای آن ضروری است، تصویری، خطرناک و جفا در حق فرهنگیان است. این اساسنامه هم مثل هر مصوبه دیگری، به اندازه کافی انعطاف دارد و تغییرات ضروری در آن، پیش‌بینی شده است.

بدین سبب، به خود اجازه داده‌ام که به عنوان یک فرهنگی،
پیشنهادی برای برنامه درسی و جهت‌گیری فعالیت‌های آن
بدهم. بدیهی است که بررسی هر پیشنهادی در این زمینه،
نیازمند کار کارشناسی است.

سیر تاریخی آموزش معلمان

به طور تاریخی، آموزش معلمان در جهان، از مدرسه‌ها شروع شد و به خصوص مدارس متوسطه، نیروهای مورد نیاز خود را در همان‌جا، آموزش می‌دادند.

تأسیس دارالمعلمین

بعدها با توسعه آموزش عمومی و گسترش آموزش عالی، در ایران نیز «دارالمعلمین» و دانش‌سراهای مقدماتی و دانش - سراهای عالی تأسیس شدند و مسئولیت اصلی تربیت معلم، به آنها واگذار شد.

«دارالمعلمین» یک نهاد رسمی دانشگاهی بود، اما دانش -
سراها ماهیت مستقلی داشتند و به دو صورت **شبانه‌روزی** و
غیرشبانه‌روزی اداره می‌شدند.

در واقع، «شبانه‌روزی» بودن، امتیازی برای کسانی بود که **غیربومی** بودند و امکان تهیه مسکن و غذا نداشتند و بدون این پشتیبانی، نمی‌توانستند معلم شوند. در غیر این صورت، اقامت «شبانه‌روزی» برایشان الزامی نبود.

در این دانش‌سراها، دانشجو- معلمان به طور مستمر، هفته-
ای یک روز در مدرسه‌ها، **تدریس عملی** داشتند و اغلب،
مسئولیت کلاسی را که می‌رفتند، به تنهایی به عهده می-
گرفتند.

به مرور که دانشگاه‌ها گسترش یافتند، به کسانی که می-خواستند معلم شوند، امتیازهای ویژه‌ای دادند که یکی از آنها، استخدام با پایه ۷ به جای پایه ۶ بود.

دانش‌سراهای مقدماتی

بعدها به مرور، دانش‌سراهای مقدماتی که هدفشان تربیت معلم برای دوره ابتدایی بود، در مسیر تکاملی خود، تبدیل به رشته آموزش ابتدایی با دوره‌های کاردانی و کارشناسی شد.

دانش سراهای عالی

دانش سراهای عالی نیز با هدف تربیت معلم برای

تخصص‌های موضوعی در دوره متوسطه، ، تبدیل به دوره -

های دبیری شد و یکی پس از دیگری در دانشگاه‌های

سراسر کشور تأسیس شدند.

تربیت دبیر فنی

مدرسه علمی نارمک - دانشگاه علم و صنعت -، تکنیکوم
نفیسی - دانشگاه خواجه نصیر - و مرکز تربیت دبیر فنی
که به دانشگاه تربیت دبیر فنی شهید رجایی تغییر نام
یافت، مسئولیت تربیت معلم را برای انستیتوهای
تکنولوژی به عهده گرفتند. اخیراً، حدود ۸۰٪ ظرفیت این
دانشگاه که وابسته به آموزش و پرورش است، به اصطلاح،
آزاد شد!

مجمع پیامبر اعظم

بالاخره، با تجميع مراكز باقى مانده تربيت معلم، مجمع
پيامبر اعظم تأسيس شد و همه اين اتفاقات، بستر مناسبى
براى تأسيس دانشگاه فرهنگيان ايجاد نمود.

دانشگاه فرهنگیان

این اشاره کوتاه به تاریخ تربیت معلم در ایران، کمک می‌کند تا بدانیم چه تلاش‌هایی انجام شده و از آن **خرد جمعی** و دستاوردهایی که متعلق به ملت ایران است، چگونه می‌توانیم بیاموزیم و به نفع ارتقای **دانشگاه فرهنگیان**، از آن‌ها بهره ببریم.

تجزیه و تحلیل مستندات تاریخی و پژوهش‌های انجام شده
در حوزه آموزش معلمان، نشان می‌دهد که پیشرفت این
حوزه، در گرو **تعامل معنادار بین مدرسه و دانشگاه** یعنی
بین آموزش عالی و آموزش عمومی بوده و هست. البته در
طول تاریخ، به سبب تأثیرپذیری شدید این حوزه از
تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، جمعیت-
شناسی و ده‌ها عامل دیگر، شکل و نحوه این تعامل در
زمان‌های گوناگون، **تغیر یافته** است.

مطالعه برنامه‌های تربیت معلم در کشورهای دیگر نیز نشان می‌دهد که آن‌ها هم بر چنین تعاملی تأکید داشته و دارند که نمونه بارز آن در کشورهای آمریکای شمالی و اروپا، این است که دانشکده‌های علوم تربیتی، عمدتاً در دوره کارشناسی، به دوره آموزش معلمان اختصاص دارد و خروجی‌های آن‌ها، مدرک صلاحیت معلمی دریافت می‌کنند.

برای نمونه، روند کار در اکثر استان‌های کانادا این گونه است که دانشجویان، ابتدا در دانشکده‌های دیگر، در یک رشته خاص، آموزش‌های موضوعی را می‌بینند و پس از گذراندن سه سال یا پس از اخذ مدرک کارشناسی (چهار سال) و متخصص شدن در یک حوزه موضوعی مثلاً ریاضی، برای دوره معلمی درخواست می‌کنند.

دانشجوی پذیرفته شده، می تواند وارد یک برنامه دو ساله -
بدون تابستان - یا یک دوره ۱۲ ماهه فشرده شود و پس از
گذراندن این دوره «پیش از خدمت»، گواهی صلاحیت
حرفه ای دریافت نماید. ویژگی مهم این دوره ها، «تدریس -
های عملی» است که بخش اعظم دوره را به خود اختصاص
می دهند.

در تدریس‌های عملی که چندین هفته طول می‌کشد،
دانشجو- معلم در جوار معلم ثابت کلاس، در تدریس
مشارکت می‌کند و در همان حال، **ناظر دانشجو** که یک
آموزشگر حرفه‌ای است، همراه دانشجو- معلم در کلاس
حضور دارد. موقع ارزشیابی هم، استاد درس، ناظر دانشجو
و معلم کلاس درس به طور مشترک، با هم تبادل نظر می-
کنند و بر سر نمره دانشجو- معلم به توافق می‌رسند.

همین وضعیت، برای «آموزش ضمن خدمت» نیز برقرار است
که عمدتاً، به دوره‌های «توسعه حرفه‌ای معلمان» معروف-
اند. برای این کار، مراکز ویژه‌ای مانند **دانشگاه فرهنگیان**
هستند که مسئولیت اصلی آنها، علاوه بر دوره‌های مختوم
به اعطای گواهی حرفه‌ای و صلاحیت معلمی، **برگزاری**
مستمر دوره‌های توسعه حرفه‌ای، به منظور به‌روز کردن و
ارتقای توانایی‌های حرفه‌ای معلمان است.

نمونه موردی: ریاضی

بعد از انقلاب و بسته شدن سه ساله دانشگاه‌ها و تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی، در دوباره‌نگری برنامه‌ها، گروه ریاضی ستاد موفق شد که برای رشته‌های دبیری ریاضی، مسئولیت اجرای درس‌های **تمرین دبیری** را جزو وظایف گروه‌های ریاضی تعریف کند.

در این دوره‌ها، درس‌های علوم تربیتی و از همه مهم‌تر،
تدریس عملی، به درس **تمرین دبیری** تغییر نام یافت و جزو
درس‌های الزامی این دوره‌ها شد که معمولاً، توسط
دانشکده‌های علوم تربیتی ارائه می‌شد.

این کار باعث شد تا زمینه‌های مناسبی که در گذشته و در دانش‌سراهای تربیت معلم برای تعامل دانشجو- معلم با معلم ریاضی شاغل به تدریس در کلاس درس واقعی داشت، دوباره احیا گردد و در این مورد، گروه ریاضی، پیش‌قدم بود.

این دوباره‌نگری‌ها، زمینه را برای کاهش دانش‌سراهای
تربیت معلم و تقویت رشته‌های دبیری فراهم کرد.

اما به دلایلی که استنادات زیادی درباره آنها منتشر نشده
و کارهای پژوهشی چندانی در این ارتباط صورت نگرفته
است، گروه‌ها و دانشکده‌های موضوعی، با تصمیمی نانوشته،
شروع به بستن رشته‌های دبیری خود کردند و در این کار،
آن‌چنان گوی سبقت از هم ربودند که حتی **دانشگاه تربیت**
معلم که با مأموریت تربیت معلم آغاز به کار کرده بود، کلاً
رشته‌های دبیری را تعطیل کرد و نام دانشگاه هم که دیگر

موضوعیت نداشت، تغییر یافت!

یک سؤال اساسی:

برای ایجاد قابلیت‌های حرفه‌ای، باید بدانیم که معلمان چه می‌دانند و چگونه می‌توانند آن را درک کنند و در تدریس خود، از آن استفاده کنند؟
(لی پینگ ما، ۱۹۹۹)

توسعه دانش قابل استفاده معلمان

نتایج ما (۱۹۹۹)، اهمیت ایجاد و توسعه رویکردهای جدید را برای توسعه دانش قابل استفاده معلمان، و به وجود آوردن ابزارهای معتبر و قابل اتکا برای سنجش چنان دانشی، برجسته کرد. این کار، جز با شناخت همه جانبه عمل تدریس توسط معلمان، امکان پذیر نیست.

(ایون و بال، ۲۰۰۳، در رابطه با موضوع ریاضی)

چگونه؟ چه؟ کجا؟

برای ایجاد چنین فهم و درکی، لازم است بدانیم که:

- چگونه معلمان، نیازمند دانستن چنان موضوعی

می‌شوند؟

- معلمان، چه دانش دیگری را درباره آن موضوع، باید

بدانند؟

- کجا ممکن است که معلمان، چنان دانش موضوعی را در

عمل، استفاده کنند؟ (بال و بس، ۲۰۰۴، در رابطه با موضوع ریاضی)

محتوای موضوع مورد تدریس

معلمان، لازم است که محتوای موضوع مورد تدریس خود را کامل بدانند تا بتوانند آن را به طور واضح، به دانش آموزان ارائه دهند، ایده‌های اساسی آن موضوع را برای طیف وسیعی از دانش آموزان، قابل دسترسی نمایند، و آن‌ها را درگیر فعالیت‌های چالش‌آور یادگیری کنند.

تمرکز بر عمل تدریس

برای دانستن این که معلمان به چه نوع دانش موضوعی

نیاز دارند، ضروری است که **بر عمل تدریس آن ها**

متمرکز شویم تا ببینیم که آن ها چه می کنند و آن کار،

چه نوع دانش، استدلال، بصیرت، فهم و درک و مهارت

موضوعی را طلب می کند. این به معنای **دانش مورد نیاز**

برای تدریس یک موضوع است. (بال و بس، ۲۰۰۴، در رابطه با

موضوع ریاضی)

دانش مورد نیاز برای تدریس

دانش مورد نیاز برای تدریس، جلوه هایی دارد که **ریشه های** آن، در **تقاضاهای موضوعی** **حین تدریس** است. این دانش، چیزی نیست که به راحتی، با دانستن این که فرد چقدر باید راجع به آن موضوع تخصص داشته باشد، پاسخ داده شود.

انواع دانش‌های مورد نیاز تدریس

شولمن، چهار نوع دانش را برای معلمان ضروری می‌داند:

- دانش موضوعی یا محتوایی (Content Knowledge)

- دانش پداگوژی (Pedagogical Knowledge)

- دانش دانش آموز (Knowledge about Students)

- دانش محتوایی - پداگوژی (Pedagogical Content

Knowledge)

پداگوژی

پداگوژی، مطالعه روش‌های تدریس شامل اهداف آموزشی و

راه‌های تحقق آن اهداف است. پداگوژی به شدت متکی به

روان‌شناسی آموزشی / تربیتی یا نظریه‌های مربوط به راه‌هایی

است که از طریق آن‌ها، یادگیری رخ می‌دهد.

(Dictionary.com)

دانش پداگوژی

دانش پداگوژی، اطلاعاتِ جمع‌آوری شده از طریق پژوهش و تجارب معلمان خبره است و کمک می‌کند که ارتباط و اتصال بین تدریس و یادگیری، بهتر درک شود.

دانش محتوایی – پداگوژیکی

دانش محتوایی – پداگوژیکی **معلم**ان، محتوا و پداگوژی را به هم متصل می کند و به طور منحصر به فردی، محتوا را با جنبه های از تدریس و یادگیری آن موضوع، **تلفیق** می نماید.

از نظر شولمن (۱۹۸۷)، دانش محتوایی - پداگوژیکی
(PCK)، ترکیب خاصی از محتوا و پداگوژی است که
به طور منحصر به فردی، جزو قلمرو معلمان است و
همان شکل خاصِ فهم و درک حرفه‌ای آنهاست.

چگونه این دانش تولید می شود؟

برای تولید چنین دانشی، لازم است بدانیم که؛

آموزش معلمان، حرفه ای غیرقطعی و نیازمند اصلاح است!

یادگیری حرفه‌ای و توسعه حرفه‌ای معلمان

ایجاد و اصلاح مستمر این آموزش، از طریق
یادگیری حرفه‌ای و توسعه حرفه‌ای معلمان، قبل و ضمن
خدمت، امکان‌پذیر است.

این امکان چگونه ایجاد می‌شود؟

از طریق ...

- آموزش مفاهیم و رویه‌های حوزه‌های موضوعی
- ارائه روش‌های تدریس موضوعات مختلف
- بررسی صفحه به صفحه کتاب‌های درسی
- آموزش تحلیل و بررسی رویکردها و روش‌های متنوع اما صحیح و متفاوت با کتاب‌های درسی

ادامه ...

- بررسی خطاها و بدفهمی‌های دانش‌آموزان در رابطه با هر حوزه موضوعی مختلف و یافتن سرچشمه‌های آنها
- آشنایی با برنامه‌های درسی هر حوزه موضوعی (رویکرد برنامه درسی، سیر تحولی یک مفهوم در پایه‌های گوناگون و نظایر آن)
- و ...

درس پژوهی و اقدام پژوهی

این آموزش‌ها، از طریق انواع هم‌اندیشی‌های معلمان
از جمله **درس پژوهی و اقدام پژوهی**، قابل حصول
است.

گذشته می تواند چراغ راه آینده شود اگر...؟!

بدانیم که:

راه پر فراز و پر فرودی در پیش داریم! اما مسیر نسبتاً
روشنی هم پیش پایمان است! شناخت این مسیر،
نیازمند دانش، آگاهی و درس گرفتن از گذشته درخشان
آموزش معلمان در ایران و توجه به یافته های جدید در
این حوزه در سطح جهانی است.

تغییر به چه قیمت؟

ایجاد تغییر، اگرچه به پشتوانه‌های قابل اتکای پژوهشی و تجربی، مفروض است، اما

تغییرات آموزشی صرفاً سیاسی، قابل دوام نیست.

شناخت عمیق تغییرات مهم برنامه‌های درسی در
ایران و جهان در نیم قرن اخیر، می‌تواند نجات‌بخش،
آموزنده و حامی، و تضمین‌کننده حرکت‌های
سنجیده و متناسب باشد.

به امید آن‌روز!

با این حال، ضرب آهنگ ضرب المثل معروف

چون که صد آید، نود هم پیشِ ماست!

آن چنان قوی است که شاید مجبور باشیم تا
سال‌ها، با هراس از نقد شدن، بدویم و بر شتاب
خویش، بیفزاییم!

با تغییر، تغییری ایجاد نمی‌شود!

برای طراحی و تدوین دوره‌های مستمر حرفه‌ای، **باید**
نظرات معلمان شنیده شود و از توصیه‌های آنان به -
عنوان مشاوران دست اول و باتجربه، به بهترین شکل
استفاده گردد. در این صورت،

